اعطای فرزندخواندگی
به دختران مجرد و زنان بدون شوهر

بند (ج) ماده ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان
بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲

داریوش درودی اصل

مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی
تهران ـ ۱۳۹۹

سرشناسه	:	درودی اصل، داریوش، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	:	اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد و زنان بدون شوهر بنـد (ج) مـاده ۵ قـانون حمایـت از کودکـان و نوجوانـان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲/ داریوش درودی‌اصل؛ ویراستار نرگس صادقی.
مشخصات نشر	:	تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	:	۲۰۷ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۱۰۶-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۲۰۱ - ۲۰۶.
موضوع	:	فرزندخواندگی -- قوانین و مقررات -- ایران
موضوع	:	Adoption -- Law and legislation -- Iran
موضوع	:	کودکان بی‌سرپرست -- وضع حقوقی و قوانین -- ایران
موضوع	:	Abandoned children -- Legal status, laws, etc. -- Iran
موضوع	:	حقوق خانواده -- ایران
موضوع	:	Domestic relations -- Iran
موضوع	:	مادران مجرد -- ایران
موضوع	:	Single mothers -- Iran
شناسه افزوده	:	موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش
رده‌بندی کنگره	:	KMH۶۰۹
رده‌بندی دیویی	:	۳۴۶/۵۵۰۱۷۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۷۳۹۰۸۹۲

با مراجعه به فروشگاه اینترنتی شهر دانش از مزایای خرید آنلاین و تخفیف ویژه برخوردار شوید.

www.**shahredanesh**.com

عنوان:	**اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد و زنان بدون شوهر**
تألیف:	**داریوش درودی اصل**
ناشر:	مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهردانش
ویراستار:	نرگس صادقی
طرح روی جلد:	میریام کوئیل
اجرای جلد:	نرگس صادقی
نوبت چاپ:	اول
تاریخ چاپ:	۱۳۹۹
شمارگان:	۲۰۰
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۴۷۵-۱۰۶-۳
بهاء:	۱۵۰,۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ است.

تهران ـ خیابان کریمخان زند ـ خیابان سنایی ـ خیابان نهم ـ خیابان گیلان ـ پلاک ۵

کد پستی ۱۵۸۵۷۴۳۱۱۱ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵/۴۵۳۹ تلفن: ۸۸۸۱۱۵۸۱ نمابر: ۸۸۸۱۱۵۸۰

Website: http://www.sdil.ac.ir Email: publication@sdil.ac.ir

تقدیم به:

برادرم محمد؛

پرستوی خونین بال و پرکشیده از آشیان غمبار دلم

که هنوز در بهت کوچ غریبانه‌اش حیرانم.

درودی، پاییز ۱۳۹۵

به نام خداوند جان و خرد

سخن ناشر

توسعه ادبیات حقوقی در هر کشور، نقش مهمی در پیشرفت نظام حقوقی آن کشور ایفاء می‌نماید. اندیشمندان و پژوهشگران دنیای بیکران حقوق که شیفته نظم‌اند و سرباز عدالت، آموزه‌های علمی و تجربیات عملی خویش را به جامعه حقوقی عرضه می‌دارند تا بتوانند در تثبیت و تنویر نظم اجتماعی و استقرار عدالت و اصلاح و پیشرفت کشور سهیم گردند.

قانونگذار فهیم و آگاه، هیچ‌گاه در مقام تهیه پیش‌نویس و مهیا شدن جهت وضع قانون، خود را بی‌نیاز از ادبیات و دکترین حقوقی کشور و مشورت با خبرگان نخواهد یافت و هیچ‌گاه مصوبات قبلی خویش را دائمی و مصون از نقد و اصلاح قلمداد نخواهد نمود. قضات متخصص و عدالت‌پیشه نیز نقد علمی و منصفانه آرای خود را مایه تکامل و پیشرفت می‌دانند.

دانشکده‌های حقوق که به مأموریت خطیر تربیت قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، سردفتران، پژوهشگران و اساتید حقوق و فقه همت می‌گمارند علاوه‌بر اینکه از آموزه‌های علمی و قضایی کشور بسیار بهره می‌برند متقابلاً رسالت مهمی در غنی‌سازی ادبیات و دکترین حقوقی کشور برعهده‌دارند.

کشور ایران به‌ویژه در دو دهه اخیر پیشرفت قابل‌توجهی در توسعه کمّی ادبیات حقوقی کشور را شاهد بوده است. تعداد کتب و نشریات حقوقی منتشره در کشور طی بیست سال اخیر، به نسبت گذشته به‌مراتب افزایش یافته است. این دستاورد را باید به فال نیک گرفت و امیدوار بود که این پیشرفت کمّی به همین میزان با توسعه‌ای کیفی در بارور شدن دکترین حقوقی موردنیاز کشور همراه باشد و با احترام به حقوق مالکیت فکری دیگران انتشار یابد.

انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش که همواره سعی داشته است علاوه‌بر انتشار آثار حاصل از تحقیقات پژوهشکده حقوق، به‌صورتی هدفمند و با ارزیابی علمی به گزینش و چاپ و انتشار کتاب‌های حقوقی در حوزه‌ها و موضوعات موردنیاز جامعه حقوقی کشور مبادرت ورزد، زحمات جناب آقای **داریوش درودی اصل** در تألیف کتاب **اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد و زنان بدون شوهر** را ارج نهاده، امیدوار است این کتاب مورد استقبال جامعه حقوقی کشور و مورداستفاده متولیان امر قرار گیرد.

وحید اشتیاق

فهرست اختصاری

فصل اول: کلّیات ۱۱

۱-۱- چکیده ۱۲

۱-۲- مقدمه ۱۳

۱-۳- اهمیت و ضرورت موضوع ۱۶

فصل دوم: مبانی نظری ۱۹

۲-۱- تاریخچه ۲۰

۲-۲- تعاریف ۲۲

۲-۳- پیشینهٔ فرزندخواندگی ۳۰

فصل سوم: بررسی حق سرپرستی دختران مجرد و زنان بدون شوهر ۵۳

۳-۱- پیشگفتار ۵۴

۳-۲- مبحث اول: پیشینهٔ قانونی و عرفی اعطای حق فرزندخواندگی به دختران مجرد و زنان بدون شوهر ۵۵

۳-۳- مبحث دوم: پیشینهٔ شرعی و بررسی فقهی اعطای فرزندخواندگی به دختران مجرد و زنان بی‌شوهر ۵۷

۳-۴- مبحث سوم: سیر تصویب ۵۸

۳-۵- مبحث چهارم: مقایسه بند (ج) با قوانین سابق داخلی درخصوص حق سرپرستی دختران مجرد و زنان بی‌شوهر ۶۰

۳-۶- مبحث پنجم: ویژگی‌های بند (ج) ۶۳

۳-۷- مبحث ششم: آثار حکم سرپرستی ۱۲۱

۳-۸- مبحث هفتم: پایان فرزندخواندگی (سرپرستی) ۱۳۳

۳-۹- مبحث هشتم: آیین‌نامه‌های اجرایی قانون ۱۳۹

۳-۱۰- مبحث نهم: ایرادات، موانع و مشکلات بند (ج) ماده ۵ قانون در مقام نظر و عمل ۱۴۱

فصل چهارم نتیجه‌گیری و پیشنهادات ۱۵۳

۴-۱- نتیجه‌گیری ۱۵۴

۴-۲- پیشنهادات ۱۶۱

پیوست‌ها ۱۶۹

(پیوست ۱) قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ ۱۷۰

(پیوست ۲) آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ابلاغی ۱۳۹۴/۰۴/۲۰ ۱۸۰

(پیوست ۳) آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۲ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست ۱۳۹۴/۰۴/۲۵ ۱۸۵

(پیوست ۴) ۱۸۸

فهرست دارویی فهرست شماره ۱ ۱۸۸

فهرست دارویی فهرست شماره ۲ ۱۸۹

فهرست دارویی فهرست شماره ۳ ۱۹۰

فهرست دارویی فهرست شماره ۴ ۱۹۰

فهرست تفصیلی ۱۹۵

منابع و مآخذ ۲۰۰

فصل اول

کلّیات

۱-۱- چکیده

فرزندخواندگی نهادی حقوقی است که روابط بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده را تعریف و منتظم می‌نماید. این موضوع در طول تاریخ سابقه طولانی دارد. در نظام حقوقی ایران با وجود سابقه پذیرش این نهاد در دوران حکومت ساسانیان با ورود اسلام منسوخ گردید. در سال ۱۳۵۲ با اقتباس از مقررات فرزندخواندگی در حقوق کشورهای اروپایی ولی باتوجه‌به حاکمیت شرع بر قانون مدنی، قانونی تحت عنوان «قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست» تصویب اما فرزندخواندگی کامل موردتقنین قرار نگرفت، زیرا محرمیت و ارث به‌عنوان دو مانع اصلی شرعی فرزندخواندگی قابل‌اغماض نبود. ولی گذشت زمان و روند رو به رشد جمعیت کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و اقتضائات جدید، مقنّن را بر آن داشت که با تصویب قانونی کارآمدتر به نیاز جامعه پاسخ گوید. النهایه در تاریخ ۱۳۹۲/۰۶/۳۱ قانون مذکور با عنوان قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در مجلس شورای اسلامی تصویب گردید. در قانون جدید دامنه واگذاری کودکان، گسترده‌تر و شامل نوجوانان نیز شده است و کودکان بدسرپرست را هم تحت شمول خود قرار داده است. همچنین افراد واجد شرایط سرپرستی شامل والدین دارای فرزند و دختران مجرد و زنان بی‌شوهر نیز شده است، ضمناً متقاضیان مقیم خارج کشور نیز می‌توانند متقاضی سرپرستی باشند. اعطای حق سرپرستی به دختران مجرد و زنان بدون شوهر، ابداعی حقوقی است که سابقه‌ای در قوانین داخلی و خارجی نداشته است. در این بند، زنان مزبور علاوه‌بر داشتن شرایط عمومی مانند صلاحیت‌های اخلاقی و مالی، به شرط داشتن ۳۰ سال تمام می‌توانند منحصراً سرپرستی اناث زیر ۱۶ سال را به‌عهده بگیرند. البته کودکان هدف نیز باید بدون سرپرست بوده و والدین یا جدّ پدری یا ولی ایشان تا دو سال برای سرپرستی ایشان مراجعه نکرده باشند، یا به تشخیص مرجع صالح قضایی سرپرست شایسته‌ای نداشته باشند. ویژگی‌های بند (ج) ماده ۵ عبارتند از: اجازه اعطاء به خانواده‌های دارای فرزند، اجازه اعطاء به دختران مجرد و زنان بی‌شوهر، اعطای مرخصی شش‌ماهه به دختران مجرد و زنان بدون شوهر سرپرست، اجازه اعطاء به اتباع ایرانی مقیم خارج،

اجازه ازدواج سرپرست با فرزندخوانده، جایگزینی ارث برای فرزندخوانده، تملّک بخشی از اموال متقاضیان سرپرستی به نفع فرزندخوانده، تحت پوشش بیمه عمر قرار دادن متقاضیان به نفع آینده کودک، امکان واگذاری کودکان بدسرپرست. گرچه این نوآوری مقنّن، در مقام عمل با موانع و مشکلاتی روبه‌روست و در مقام نظر هم با انتقاداتی مواجه گردیده، ولی باید آن را گامی به جلو در راستای توسعه چتر حمایتی جامعه از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و توجه به نیازهای این زنان که درصد قابل‌توجهی از جمعیت کشور را شامل می‌شوند، دانست.

این وجیزه حاصل غور و مداقه در قانون مزبور خصوصاً این ماده و تبصره آن می‌باشد. بایسته است در ابتدا، به رسم ادب و به تأسی از باب العلم الاکبر، بر درگه رفیع تمامی اساتید معززی که ولو «علمنی حرفا» جبین خضوع بسایم. قابل‌ذکر است کتاب حاضر در سال ۱۳۹۹ بازبینی شده و در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

۱-۲- مقدمه

کودکان به‌عنوان یکی از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، همواره موردتوجه بوده‌اند. یکی از دغدغه‌های مهم حقوق‌دانان، جامعه‌شناسان و فعالین اجتماعی و فرهنگی، حمایت از آنان و حفظ حقوق ایشان است.

کودکان که تعیین‌کنندگان سرنوشت فردای جامعه‌اند، زمانی می‌توانند افرادی سالم و فعال بوده و در راستای رشد و تعالی جامعه خود قدم بردارند که در خانواده‌ای سالم رشد یافته باشند. پدیده بی‌سرپرستی در فرهنگ‌ها و مکان‌های مختلف در اثر عوامل متعددی به‌وجود می‌آید. امروزه در برخی جوامع به‌علت کم‌رنگ شدن ارزش و قداست خانواده و ازدواج، کودکانی که حاصل ازدواج نامشروع والدین خود هستند درصد بالایی از کودکان بی‌سرپرست را تشکیل می‌دهند. ولی در کشورهایی نظیر ایران به‌علت حاکمیت اخلاق و اصول شرعی در زندگی مردم، تعداد بسیار کمی از کودکان بی‌سرپرست را کودکان نامشروع تشکیل می‌دهند و عواملی چون اعتیاد، مرگ‌ومیر والدین در اثر بیماری یا حوادث طبیعی و انسانی، جدایی والدین و ... از عوامل به‌وجود آمدن این پدیده هستند. در ایران به‌دلیل وجود جوّ مذهبی و سابقه نگهداری یتیمان در خانه‌ها، با افزایش جمعیت و تحوّلات اجتماعی و فرهنگی و بالا رفتن آمار کودکان بی‌سرپرست نیاز به

وجود قانون دراین‌زمینه احساس می‌شد و درنتیجه قانونی تحت عنوان قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست در اسفند ۱۳۵۳ و در ادامه در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۷۴ یک لایحه قانونی و یک قانون و یک آیین‌نامه در موضوعات مرتبط، مصوب گردید.

اما با گذشت زمان و باتوجه‌به روند رو به رشد جمعیت کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست به‌دلیل افزایش جرایم و تغییر نحوه زندگی و باتوجه‌به افزایش تعداد این کودکان، ضرورت بازنگری قانون فعلی احساس شد و دولت‌مردان و صاحب‌نظران به لزوم ایجاد یک نهاد تخصصی‌تر برای حمایت از این دسته کودکان ضمن تسریع در رفع موانع قانونی فرزندخواندگی که می‌تواند سرنوشت بسیاری از این کودکان را تغییر دهد، کوشیدند.

لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست، از سوی دولت، تدوین و تقدیم مجلس شورای اسلامی شد و پس از کش‌وقوس‌های فراوان، سرانجام در جلسه علنی مجلس در مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۳۱ به‌تصویب رسید. در این لایحه همان‌طور که از نامش پیداست دامنه واگذاری کودکان گسترده‌تر شده، ضمن اینکه عنوان نوجوانان نیز به آن اضافه شده، برای نخستین بار «کودکان و نوجوانان بدسرپرست» را هم تحت شمول خود قرار داده است. نکته بسیار مهمی که از ابداعات قابل‌تحسین و پیشروانه در تاریخ تقنینی داخلی و حتی قوانین خارجی است؛ «اعطای حق سرپرستی به دختران مجرد و زنان بدون شوهر» می‌باشد.

اگرچه در قانون جدید کاستی‌هایی هم مشاهده می‌شود، لیکن نسبت به قوانین سابق گامی بلند در راستای حمایت از این اقشار آسیب‌دیده یا در معرض آسیب است؛ با امید به گشودن روزنه‌ای برای تابیدن نگرشی تازه بر مسئله فرزندخواندگی و رفع ایرادات و نواقص آن.

نهاد فرزندخواندگی دارای قدمتی به درازنای تاریخ مدوّن بوده و در طول قرون و اعصار، تطور و تحولی درخور یافته است. این موضوع در طول تاریخ سابقه طولانی دارد و در ادوار مختلف اشکال مختلف حقوقی به خود گرفته است. تأسیس حقوقی مذکور پس از سیر تحولاتی در اغلب نظام‌های حقوقی دنیا پذیرفته شده است. در نظام حقوقی ایران با وجود سابقه پذیرش این نهاد در دوران حکومت ساسانیان با ورود اسلام منسوخ گردید زیرا اسلام این موضوع را به‌رسمیت نشناخته است.

درعین‌حال ازآنجاکه سرپرستی از یتیمان و کودکان بی‌سرپرست به‌شدت توصیه شده و نوع‌دوستی و کمک به نیازمندان، از عناصر اصلی فرهنگ ایران و تعالیم اسلامی، موردتأکید می‌باشد، مقررات مدوّنی در سال ۱۳۵۳ تحت عنوان «قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست» با اقتباس از قانون فرزندخواندگی در حقوق کشورهای اروپایی، به‌خصوص کشور فرانسه تصویب شد. باتوجه‌به حاکمیت قوانین شرع بر قانون مدنی ایران، فرزندخواندگی کامل به روش حقوق غرب موردتقنین قرار نگرفت، زیرا محرمیت و ارث، دو مانع اصلی شرعی فرزندخواندگی، قابل‌اغماض نبودند. مقنّن در این قانون به تبعیت از اصول و مبانی شرعی، از این موضوع با عنوان سرپرستی یاد کرد نه فرزندخواندگی. پس از برقراری نظام جمهوری اسلامی ایران، کمیسیون استفتائات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی عمل به قانون مذکور را با رعایت احکام شرعی درمورد ارث بلاوارث و سن بلوغ و رعایت مصالح شرعی طفل بلامانع دانست. چنانچه قبلاً گفتیم، بعد از قانون سال ۱۳۵۳ لایحه قانونی راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹ و اصلاحات و الحاقات آن و همچنین قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب آبان ۱۳۷۱ و آیین‌نامه اجرایی آن در تاریخ مرداد ۱۳۷۴ به‌تصویب رسیده و تاکنون مورداستفاده قرار می‌گرفته است؛ ولی با گذشت زمان و باتوجه‌به روند رو به رشد جمعیت کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست و اقتضائات جدید مقنّن را بر آن داشت که با تصویب مصوباتی به‌روزتر و کاراتر درصدد رفع نیازهای ملموس جامعه انسانی برآید. سرانجام در سال ۱۳۹۲ قانونی با عنوان «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست» در مجلس شورای اسلامی مصوب گردید. قانونگذار در اقدامی شایسته دامنه واگذاری کودکان را وسیع‌تر و از سوی دیگر نوجوانان را در دایره افراد هدف وارد نمود؛ و البته بدسرپرستی را به بی‌سرپرستی اضافه کرد. همچنین در این قانون افراد واجد شرایط سرپرستی شامل زن و شوهر دارای فرزند و دختران مجرد و زنان بی‌شوهر نیز شده است، ضمناً متقاضیان مقیم خارج کشور نیز می‌توانند با مراجعه به کنسولگری تقاضای فرزندخوانده کنند.

صرف‌نظر از آنکه ماهیت، کیفیت، شرایط و آثار این نهاد در قوانین موضوعه کشور

ما چیست، و سیر تکامل و فرود و فراز و النهایه وضعیت فعلی آن چگونه است؟ ابتدا واکاوی و چالش‌های فقهی و حقوقی این قانون، وجهه همت این تحقیق است. اینکه آیا این قانون اصولاً در راستای رفع نیازهای جامعه گامی به جلو می‌باشد یا خیر؟ مشکلات اجرایی قانون مذکور در عمل باتوجه‌به ساختار اجتماعی و فرهنگی و مذهبی جامعه کنونی ما چه مواردی می‌تواند باشد و بررسی تطبیقی آن با قوانین سابق مصوب در کشور ما و النهایه بررسی مضار و منافع احتمالی و نقاط مثبت و منفی و قوت و ضعف این تأسیس مدّنظر می‌باشد.

سپس نظر به نوآوری قانون درخصوص اعطای این حق به دختران مجرد و زنان بدون شوهر، پژوهش حاضر بر این موضوع متمرکز است که آیا این ابداع حقوقی گامی در راستای تحقق بیشتر رفاه و امنیت عمومی، سلامت مادی و معنوی، بهداشت روانی و ترمیم عدالت اجتماعی برخواهد داشت یا خیر؟ موانع و مشکلات اجرایی این قانون (بند ج ماده ۵ قانون مزبور) موردمداقه قرار خواهد گرفت و به مبانی و سابقه فقهی و حقوقی آن خواهیم پرداخت.

۱-۳- اهمیت و ضرورت موضوع

الف) وجود پدیده‌های ناخوشایند و اجتناب‌ناپذیر مانند طلاق (رشد ۵۴ درصدی طلاق در کشور طی ده سال اخیر بر اساس گزارش مرکز آمار و اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور) فوت والدین (آمار تلفات جاده‌ای به‌عنوان یکی از عوامل مرگ‌ومیر ۲۶۱ هزار و ۳۰۹ نفر طی ده سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ طبق اعلام سازمان پزشکی قانونی کشور)، فقر (آمار غیررسمی ۱۵ میلیون ایرانی زیر خط فقر و طبق اعلام دکتر راغفر در مصاحبه با سایت انتخاب در تاریخ ۱۳۹۳/۰۵/۱۲ بر اساس آمار سال ۱۳۹۱ و بر اساس شاخص‌های خط فقر، حدود ۴۰ درصد جمعیت کشور زیر خط فقر مطلق قرار می‌گیرند) و اعتیاد (آمار رسمی تعداد ۲ تا ۲/۲ میلیون معتاد وابسته به مواد مخدر حسب اعلام ستاد مبارزه با مواد مخدر و آمار غیررسمی تا سه میلیون نفر طبق اعلام وزیر کشور در ۳ خرداد ۱۳۹۳) و مصائب و بلاهای طبیعی و حوادث غیرمترقبه نظیر سیل و زلزله و جنگ، خواه ناخواه فرزندانی را از دامان پرمهر مادر و کانون گرم خانواده جدا کرده و در کوچه و خیابان یا بی‌پناه رها کرده یا تحویل سرپناه‌های

عمومی و دولتی مانند بهزیستی و یتیم‌خانه‌ها و شیرخوارگاه‌ها می‌دهد. مسائل و مشکلات روحی، روانی و مادی که گاه با گسیل درصدی از این جماعت آسیب‌دیده و آسیب‌پذیر به سمت‌وسوی جرم و جنایت و بزهکاری ازجمله تکدّی‌گری، روسپی‌گری، سرقت و ... متولیان تعلیم و تربیت و مدیریت جوامع را وامی‌دارد که جهت سالم‌سازی جامعه از ناهنجاری‌ها، مشکلات، و معضلات حادث‌شده از این ناحیه، از یک‌سو و برای درمان، سرپرستی، رشد، تربیت و اعتلای این قشر در معرض آسیب که خود قربانیان معضلات اجتماعی ازقبیل فقر، طلاق و ... می‌باشند، تمهیداتی اندیشیده و به تأسیس نهادهای نظری و عملی مبادرت ورزند؛

ب) علاوه‌بر مبحث فوق، در جامعه نیاز انسانی و روانی دیگری وجود دارد که برای رفع آن نیز باید اقدام نمود و راه‌حل این مشکل می‌تواند مستقیماً در گرو رفع معضل پیش‌گفته تعریف شود و آن ارضای حس مادری و پدری است. ازآنجاکه افراد سالم، سازندهٔ اجتماع سالم هستند و چنانچه درصد قابل‌توجهی از مردم جامعه‌ای دارای بیماری‌های نهفته و آشکار روحی و جسمی باشند، مانند عضوی ناسالم و عفونی از اندام آدمی، عاقبت به ضعف، بیماری مفرط و گاه مرگ خواهد انجامید. حس مادری غریزه‌ای خدادادی است که علاوه‌بر توالد و حفظ نسل و وراثت، باعث انتشار عطر مهربانی، عطوفت، فداکاری، دیگردوستی و نوع‌دوستی خواهد شد. لذا حاکمان جوامع نباید این مهم را از نظر دور دارند تا غفلت از آن موجب پدید آمدن عقده‌های روانی مادران بالقوه و محرومیت جامعه از این عطیه ربوبی نگردد؛ بنابراین پرداختن به هردو موضوع فوق‌الذکر (الف و ب) احساس نیازی است که قانونگذار را بر آن داشته تا با اجازه اعطای فرزند به‌نوعی در مسیر رسیدن به هردو هدف گام برداشته شود. اهمیت وضع چنین قانونی وقتی بیشتر خود را نشان می‌دهد که بدانیم پرداختن قانون (بند ج ماده ۵) به این موضوع حداقل در حقوق موضوعه کشور ما، بدون سابقه و ابداعی بوده و اقدامی است که شایسته کندوکاو، تحقیق و تفحص می‌باشد.

طبق اعلام معاون امور اجتماعی سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۹۷، سرپرستی ۱۳۰ کودک، به دختران مجرد بالای ۳۰ سال واگذار شده است. ایشان از واگذاری ۱۶۰ فرزندخوانده به بانوان بدون همسر بالای ۳۰ سال نیز در سال ۱۳۹۷

خبر دادند که باتوجه‌به مفاد خبر، واگذاری سرپرستی به دختران مجرد و زنان فاقد شوهر وارد فاز اجرایی گردیده و این اهمیت بیش از پیشِ موضوع و بررسی نقاط قوت و ضعف و سازوکارهای مناسب برای اجرای این قانون را نشان می‌دهد.[۱]

کتاب حاضر در چهار فصل تنظیم شده است. در فصل اول به بیان کلّیات موضوع و در فصل دوم به تعاریف، پیشینهٔ فرزندخواندگی و ماهیت حقوقی موضوع پرداخته می‌شود و در فصل سوم؛ سرپرستی دختران مجرد و زنان بی‌شوهر، سابقه این تأسیس حقوقی در قرون و اعصار، فقه، قوانین داخلی و خارجی، و همچنین سیر تصویب قانون و ویژگی‌های این بند از قانون و آیین‌نامه‌های اجرایی آن، موردکندوکاو قرار می‌گیرد. در فصل چهارم و پایانی، نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌گردد.

۱. به نقل از سایت خبری تابناک، کد خبر ۹۲۰۶۶۰، https://www.tabnak.ir/fa/news